



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۳۶	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۰۹
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	حجیت مطلق الظن				
عنوان ۳	مطلب دوم: امتناع یا عدم امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۴	اسباب امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۵	سبب اول: معارضه جعل حجیت برای ظن با قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان و یا حق الطاعة				

مطلب دوم: امتناع جعل حجیت برای ظن

بحث ما در مطلب دوم از مطالب مربوط به حجیت ظن مطلق است. در مطلب دوم در این باره بحث می‌کنیم که آیا عدم حجیت برای ظن ذاتی است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا جعل حجیت برای ظن امتناع دارد یا امکان دارد؟ برای اینکه در این بحث بتوان به نتیجه رسید، باید درباره سبب امتناع جعل حجیت برای ظن بحث کنیم که بینیم آیا چنین سببی وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد در چه جایی وجود دارد؟

اسباب امتناع جعل حجیت برای ظن

دو سبب می‌توان برای امتناع جعل حجیت برای ظن تصور کرد:

سبب اول، معارضه جعل حجیت (به معنای منجزیت) برای ظن با قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان است. گفته می‌شود که جعل منجزیت برای ظن با قاعده قبح عقاب بلا بیان تعارض دارد؛ زیرا مراد از بیان، بیان به معنای کاشف تام است و هر جا که کاشف تام - که قطع است - وجود نداشته باشد، عقاب قبیح است؛ و معنای قبیح بودن عقاب این است که منجزیت برای ظن ممکن نیست؛ زیرا ظن، بیان قطعی و تام الکاشفیت نیست و در موارد ظن به تکلیف، تکلیف به انکشاف تام منکشف نیست؛ لذا قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری می‌شود.

سبب دوم، معارضه ظن (ظنی که حجت می‌شود) با حکم واقعی مخالف ظن است.

ظن به دلیل اینکه ظن است، احتمال مخالفت با واقع دارد و این بدان معناست که در واقع حکمی بر خلاف ظن وجود داشته باشد و ظنی که بر خلاف آن حکم واقعی است حجت بشود که در اینجا تضاد حکم واقعی و ظاهری به وجود می‌آید.

مسأله جمع بین حکم واقعی و ظاهری در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد و علت بحث فقها در رابطه جمع بین حکم ظاهری با حکم واقعی نیز از اینجا نشأت می‌گیرد که جعل حجیت برای ظن، ممتنع است به این دلیل که از آن، تعارض این حجت با حکم واقعی رخ می‌دهد ولو در برخی موارد. لذا چون از جعل حجیت برای ظن، تضاد با حکم واقعی و یا تقویت مصلحت واقعی - بنابر اختلاف تعابیری که وجود دارد - لازم می‌آید لذا جعل حجیت برای ظن ممتنع است. ابتدا درباره سبب اول بحث می‌کنیم تا ببینیم این سبب برای امتناع حجیت برای ظن درست است یا خیر.

سبب اول: معارضه جعل حجیت برای ظن با قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان و یا حق الطاعة

ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که جعل حجیت برای ظن، اگر به معنای جعل معذرت باشد، تعارضی با قاعده قبح عقاب بلا بیان ندارد یعنی در جایی که ظن به عدم تکلیف وجود دارد، برای ظن جعل حجیت شود، به معنای معذرت این ظن است و عبد به خاطر ترک حکم واقعی‌ای که به وسیله عمل به ظن ترک شده عقاب نخواهد شد و این مخالف با قاعده قبح عقاب بلا بیان نیست و تعارض و منافاتی در اینجا وجود ندارد؛ لذا اگر جعل حجیت برای ظن موجب تعارض با قاعده قبح عقاب بلا بیان شود، در جنبه منجزیت است.

اگر مولا جعل حجیت کند برای ظن و ظن به تکلیف حجیت بشود که عقاب بر ترک آنچه ظن بر ثبوتش قائم شده جعل کند، این با قاعده قبح عقاب بلا بیان در تنافی خواهد بود و قاعده قبح عقاب بلا بیان نیز قاعده عقلی است یعنی عقل می‌گوید که مادامی که شارع بیانی بر تکلیف ندارد، عقاب بر ترک این تکلیف قبیح است در حالی که جعل منجزیت برای ظن به این معناست که با اینکه بیان بر تکلیف وجود ندارد، عبد اگر این تکلیف را ترک کند، عقاب خواهد شد؛ لذاست که جعل حجیت در چنین موردی به دلیل اینکه با حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان مخالفت دارد، جعل حجیت برای ظن ممتنع خواهد بود.

قائلین قاعده قبح عقاب بلا بیان برای اینکه بتوانند از این محذور خارج شده و این تعارض را رفع کنند، باید کاری کنند که ظن، حکم علم پیدا کند و کاشفیت ناقصه ظن، به واسطه حجیت، تبدیل به کاشفیت تام شود و ظن را تبدیل به بیان تام کند به انحای مختلفه جعل ظن به عنوان بیان که یک مبنا این است که ظن، تعبداً علم می‌شود و یا مبنای دیگر اینکه معنای حجیت ظن، احتمال الغای خلاف است که حکماً همان اثر علم بر ظن بار می‌شود و به هر شکلی که در محل خودش بحث خواهد شد.

بنابراین بر مبنای قاعده قبح عقاب بلا بیان، اگر بخواهیم قائل به حجیت ظن شویم، جعل حجیت (به معنای منجزیت) برای ظن بما هو ظن ممتنع خواهد شد مگر اینکه - همانطوری که از بیانات مرحوم آخوند رحمته الله علیه استفاده شد - عامل خارجی بر ظن اضافه شود که ظن را موضوعاً و یا حکماً در حکم علم قرار دهد. حال اینکه این عنصر چیست، در آینده مورد بحث قرار خواهیم داد. و ظن را از لا بیانی به بیان بودن تبدیل کند تا با قاعده قبح عقاب بلا بیان در تعارض نباشد.

اما بنابر حق الطاعة، جعل منجزیت برای ظن، منافاتی با قاعده حق الطاعة ندارد و این منافات تنها در قاعده قبح عقاب بلا بیان وجود دارد زیرا ظن در چنین مواردی، ظن به امر مولاست و ما در محل خود گفتیم آنچه منشأ منجزیت بوده و موضوع حکم عقل به استحقاق عقاب است، ذات امر مولاست. امر به مولاست که مخالفتش استحقاق عقاب

دارد؛ نه قطع بما هو قطع و نه ظن بما هو ظن؛ لذا بین حجیت قطع و حجیت ظن، از ناحیه امکان و عدم امتناع وجود ندارد؛ بلکه تنها فرقی این است که سلب حجیت از قطع ممتنع بوده اما سلب حجیت از ظن ممتنع نیست؛ یعنی تفاوتشان در سلب حجیت است اما در ثبوت حجیت، بین قطع و بین ظن و حتی بین قطع و بین احتمال، تفاوتی وجود ندارد زیرا حجیت برای متعلق قطع، ظن و احتمال است؛ لذا چه ظن به امر مولا وجود داشته باشد و چه قطع و چه احتمال، امر مولا استحقاق عقاب بر مخالفت دارد؛ لذا احتمال حکم مولا که باشد نیز عقل حکم به اجتناب از این مخالفت می‌کند.

بنابراین بنابر حق الطاعة، نتیجه، عکس مبنای قاعده قبح عقاب بلا بیان است زیرا در مبنای قاعده قبح عقاب بلا بیان جعل منجزیت با حکم عقل به قاعده قبح عقاب بلا بیان منافات دارد؛ اما بنابر حق الطاعة، رفع منجزیت با حکم عقل منافات دارد زیرا خود حق الطاعة، به معنای حکم عقل به استحقاق عقاب بر مخالفت امر مولاست و وقتی عقل به استحقاق عقاب بر مخالف امر مولا حکم می‌کند، وقتی احتمال ثبوت امر مولا نیز وجود داشته باشد، یعنی احتمال عقاب بر مخالفت وجود دارد و احتمال عقاب بر مخالفت نیز عقلاً واجب الاجتناب است؛ تا چه رسد ظن و یا قطع به مخالفت امر مولا.

اما در موارد معذرت، که ظن، ظن به عدم تکلیف است، ظن به عدم تکلیف نیز مقارن با احتمال تکلیف است لذا بنابر حق الطاعة جعل حجیت برای ظن در این مورد نیز ممتنع خواهد بود زیرا در این مورد با حکم عقل تنافی دارد زیرا ظن به عدم تکلیف با احتمال ثبوت تکلیف الزامی مقارنت دارد؛ لذا ظن نمی‌تواند معذرت داشته باشد.

خلاصه اینکه جعل حجیت برای ظن، بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان در طرف منجزیت، منافات با حکم عقل پیدا می‌کند اما در طرف معذرت، منافاتی با حکم عقل نخواهد داشت؛ اما بنابر حق الطاعة، منجزیت، منافاتی با حکم عقل پیدا نمی‌کند اما در طرف معذرت منافات با حکم عقل پیدا می‌کند؛ زیرا در موارد ظن به عدم تکلیف، احتمال تکلیف وجود دارد و همین که احتمال تکلیف وجود دارد، حق الطاعة و استحقاق عقاب بر مخالفت عقلاً در اینجا جاری خواهد شد.

بنابراین جعل حجیت برای ظن، بنابر هر دو مبنای حق الطاعة و قبح عقاب بلا بیان، در یکی از دو تقدیر معذرت و منجزیت، ممتنع خواهد بود.

نتیجه اینکه بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان، ظن بما هو ظن نمی‌تواند منجز باشد ولی می‌تواند معذر باشد اما برای قاعده حق الطاعة، ظن بما هو ظن، می‌تواند منجز باشد اما نمی‌تواند معذر باشد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين